

## تبیین اثرات محبت به اهل بیت علیهم السلام در سبک زندگی فردی و اجتماعی از نگاه قرآن و روایات

کمال خواجه پور بنادکی<sup>۱</sup>

سید حمید شمع ریزی<sup>۲</sup>

مهدی علی محمدی قلعه کهن<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

### چکیده

محبت داشتن به اهل بیت (ع) به عنوان اسوه های عالی بشری از ضروریات دینی ما و اجر رسالت پیامبر اکرم (ص) است، با محبت و مودت داشتن نسبت به آن بزرگواران و عمل کردن به دستوراتشان، سعادت‌مندی و رستگاری انسان‌ها تضمین خواهد شد. در پرتو محبت اهل بیت (ع) و به کار بستن سخنان زیبای آنان، جامعه ای سرشار از امنیت، صلح و صفا، مهرورزی همراه با عدالت اجتماعی و معنویت خواهیم داشت. بر مبنای آیات و روایات هدایت دینی انسان‌ها، ایمان و رستگاری و نجات با محبت به اهل بیت علیهم السلام گره خورده است. محبت به اهل بیت (ع) می‌تواند نتایج کاربردی در سبک زندگی افراد جامعه ایجاد کند که تاسی به بینش و منش آنان در خانواده‌ها نقش ویژه‌ی در کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. هدف از پژوهش حاضر تبیین اثرات محبت به اهل بیت علیهم السلام در سبک زندگی فردی و اجتماعی از نگاه قرآن و روایات می‌باشد. در این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی، ابتدا با بررسی آیات و روایات مربوط به محبت اهل بیت علیهم السلام اقدام به استخراج مباحث اشتراکی تاثیر پذیر در سبک زندگی نموده و سپس به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری آن مباحث می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: محبت به اهل بیت، قرآن و روایات، سبک زندگی

<sup>۱</sup> استاد یار گروه معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران Email:kamaikhajepoor@yahoo.com

<sup>۲</sup> استاد یار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران shamerizi@yahoo.com

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

Mahdi.alimohammadi110@gmail.com

مقدمه

از تعالیم الهی قرآن کریم و روایات ائمه طاهریین (ع) و شیوه و سبک بیان و سیره و سخن آنان در تبلیغ و دعوت به دین چنین استفاده می شود که اس و اساس آفرینش بر مبنای محبت بوده و عامل محبت به عنوان نزدیکترین راه ها در تالیف و تقریب قلوب و تاثیر کلام آنان مورد توجه بوده است. از این رو می توان با اندکی تامل در آیات و عبارات قرآن کریم از جمله « وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (بقره، آیه ۱۶۵) وَ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ (مائده، آیه ۵۴)، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ (بینه، آیه ۸)، إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ (قلم، آیه ۳۲)، وَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (انشراح، آیه ۸)» و یا عباراتی که خطاب آن به طور مستقیم به نبی مکرم اسلام (ص) است « لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ » (حجر، آیه ۷۲) و یا فراز های دیگری که خطاب به انبیاء بنی اسرائیل از جمله حضرت موسی (ع) است که « وَ اصْطَفَيْنَاكَ لِنَفْسِي » (طه، آیه ۴۱) و حتی شروع سخنش در ابتدای هر سوره از قرآن کریم به این مهم پی برد که روی سخنش با بندگان از سر رحمانیت و رحیمیت و مهر و مهرورزی و عشق است. از سوی دیگر باری تعالی آفرینش را به اطاعت از سرطوع و رغبت فرمان داده و اجابت دعوت رسول را در کنار اطاعت خود مطالبه نموده است « اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ » (انفال، آیه ۲۴). او را « أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ » (احزاب، آیه ۶) برشمرده و مزد رسالتش را در مودت و عشق ورزی به اهل بیت او (ع) تعیین نموده است .

محبت به اهل بیت (ع) از نگاه آیات و روایات در دو زمینه فردی و اجتماعی به عنوان اصلی ترین عامل تاثیر گذار است که بر اساس آیات و روایات در سبک زندگی فردی از تفکر و اندیشه تا اعتقادات و باورها و هم چنین کسب فضایل اخلاقی همه متاثر از محبت به اهل بیت (ع) می باشند. هم چنان که در سبک زندگی اجتماعی نیز تمام رفتارهای اجتماعی از رفتارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می تواند متاثر از محبت به اهل بیت (ع) باشند. محبت به اهل بیت (ع) هم در قلمرو رفتار فردی عادی هم چون نماز و روزه و ... هم در تفکر و اندیشه انسانی و هم در کسب فضایل اخلاقی موثر است. چنان چه محبت به اهل بیت (ع) در همه رفتارهای جمعی که در ارتباط با دیگران شکل می گیرد چه رفتارهای لازم در خانواده و رفتارهای اجتماعی حتی نسبت به مخالفان تاثیر گذار است.

سئوال پژوهش

بر اساس مقدمه بالا حال سوال اینجاست که تاثیر گذاری محبت به اهل بیت (ع) در سبک زندگی فردی و اجتماعی کدام است؟

فرضیه پژوهش

با توجه به آیات و روایات محبت به اهل بیت (ع) در سبک زندگی فردی (در زمینه های مختلف فکری، اعتقادی، عبادی، اخلاقی) و اجتماعی (در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی - اقتصادی) تاثیر گذار است.

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم محبت

مفهوم محبت از مفاهیم روشنی است که چندان احتیاج به بررسی ندارد، با این حال در این جا به اختصار در مورد این مفهوم صحبت می کنیم

در فرهنگ دهخدا می خوانیم: حب در لغت به معنای: «مهر، دوستی، ود، و داد، مودت، محبت، دوست داشتن و دوستانک شدن و در مقابل بغض، دشمنی و دشمنانگی» است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۸، ذیل واژه «حب») در کتاب العین هم حب به معنای عشق و نقیض تنفر آمده است.

«حب: أحبته نقیض أبغضته. و الحب و الحبة بمنزلة الحبيب و الحبيبة.» (فراهیدی، ج ۳، ۱۴۰۹: ص ۳۱) در لسان العرب هم حب مقابل بغض و الوداد و المحبه معنا شده است. «الحُبُّ: نَقِيضُ البُغْضِ. و الحُبُّ: الودادُ و المَحَبَّةُ، و كذلك الحِبُّ بالكسر.» (ابن منظور، ج ۱، ۱۴۲۶: ۲۸۹)

غزالی محبت را چنین تعریف می کند: حب، عبارت است از میل طبع به شیئی که در ادراکش لذت است و بغض، عبارت است از نفرت طبع به شیئی که در ادراکش درد و تعب و سختی نهفته است (غزالی، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

علامه طباطبایی می نویسد: حب در حقیقت تنها وسیله ای است برای اینکه میان هر طالبی با مطلوبش رابطه برقرار کند و هر مریدی را به مرادش برساند، و حب اگر مرید را به مراد و طالب را به مطلوب و محب را به محبوب می رساند، برای این است که نقص محب را به وسیله محبوب برطرف سازد تا آنچه را ندارد دارا شود، و کمبودش تمام و کامل گردد. پس برای محب هیچ بشارتی بزرگتر از این نیست که به او بفهماند محبوبش دوستش دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۴۷).

## ۲- مفهوم اهل بیت (ع)

از جمله مفاهیمی که در معنای آن و خصوصا در دایره شمول آن اختلافات زیادی به چشم می خورد مفهوم اهل بیت است.

لغویان اتفاق دارند که «اهل» و «آل» به یک معنا هستند. اصل «آل»، «اهل» بوده، سپس هاء به همزه تبدیل گشته و در نتیجه، دو همزه متوالی پشت سر هم قرار گرفته و به همین دلیل، همزه دوم به الف تبدیل شده است. (راغب، ج ۱، ۱۴۱۲: ص ۳۰)

در کاربرد روایی نیز واژه اهل بیت در احداث نبوی دارای کاربردهای اعم، عام، خاص و اخص می باشد. کاربرد اعم آن حتی کسانی که هیچ گونه پیوند خویشاوندی نسبی یا سببی با پیامبر ندارند را شامل می شود و در کاربرد عام همه خویشاوندان نسبی پیامبر (ص) را در بر می گیرد، کسانی که صدقه واجب (زکات) بر آنان حرام شده است و در کاربرد خاص، اهل بیت مربوط به همسران پیامبر (ص) است بدون شک، همسران پیامبر (ص) مطابق معنای لغوی و عرفی، اهل بیت پیامبرند، مقصود از بیت در اینجا بیت سکنا (محل سکونت) است، نه بیت نسب یا نبوت. ولی در کاربرد اخص به گروهی از خاندان پیامبر (ص) اختصاص دارد که از ویژگی عصمت برخوردارند. (هیثمی مکی، ۱۴۲۵: ص ۲۸۱)

به هر حال در مذهب شیعه این واژه، عنوان خاصی است که به چهارده معصوم از پیامبر اکرم (ص) گرفته تا حضرت ولی عصر (عج) اطلاق می شود.

## ۳- محبت به اهل بیت علیهم السلام

انبیای الهی به خصوص خاتم الانبیاء حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) در به کمال رسانیدن انسان ها و سوق دادن آنها به قرب الی الله تلاش های وافری مبذول داشته اند. از سوی دیگر احترام و تکریم و محبت داشتن به آنها از ضروریات دینی است بعلاوه این که آنها اسوه های عالی بشریتند و با محبت و مودت داشتن نسبت به آن بزرگواران و عمل کردن به دستوراتشان، سعادت مندی و رستگاری انسان ها تضمین خواهد شد. وانگهی در پرتو محبت اهل بیت (ع) و

به کار بستن سخنان زیبای آنان، جامعه ای سرشار از امنیت، صلح و صفا، مهرورزی همراه با عدالت اجتماعی و معنویت خواهیم داشت. محبت به اهل بیت(ع) موضوعی است که تحقق آن در سطح زندگی فردی و اجتماعی می تواند سرنوشت انسان را رقم زده و سعادت او را در دنیا و آخرت تضمین کند. زیرا که محبت به اهل بیت(ع) مهمترین عامل در اسوه قرار دادن آنها در تمام زمینه های فکری و رفتاری است.

بررسی کارکرد محبت به اهل بیت(ع) در ابعاد زندگی، ضمن در برداشتن فواید نظری، دارای فواید عملی است که حیات طیبه را تضمین کرده و سعادت دنیا و آخرت را در پی دارد.

#### ۴- سبک زندگی

در حوزه علوم اجتماعی و علوم دینی، سبک زندگی را با «هویت» پیوند می زنند: «سبک زندگی نظام واره و سیستم ویژه زندگی است که به یک شخص، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام واره، هندسه کلی رفتار خارجی و جوارحی است و افراد، خانواده ها و جوامع را از هم جدا می کند(شریفی، ۱۳۹۸:ص ۱۴۶).

این تعریف به گونه ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می گذارد. وی در جای دیگری منظور از سبک زندگی را چنین می داند: «مجموعه ای از هنجارهای اجتماعی و عملکردهایی که یک شخص به دلیل تامین نیازها و احتیاجات روزمره خود استفاده می کند. شیوه زندگی هر شخص بیانگر هویت و معرف شخصیت آن شخص است. (شریفی، ۱۳۹۸:ص ۱۴۶). نویسنده کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن»، سبک زندگی را به این صورت تعریف می کند: «شیوه ای نسبتاً ثابت که شخص اهداف خود را به آن شیوه دنبال می کند»(کاویانی، ۱۳۹۲:ص ۱۳۰).

#### ۵- تاثیر محبت به اهل بیت در سبک زندگی

حیات انسان در این عالم موهبت الهی است. او در دار دنیا از غنیمت عمر برخوردار است تا بر اساس آموزه های وحیانی قرآن کریم و با تاسی به انسان کامل یعنی وجود مقدس پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام به حیات طیبه ای که پروردگار عالم برای او شایسته دانسته دست پیدا نموده و متناسب با فرامین قرآن و عترت مناسبات فردی و اجتماعی خودش را تنظیم کند. به طبع محبت اهل بیت علیهم السلام ره توشه ای بی بدیل است که می تواند زندگی حیوانی انسان را در این عالم صبغه و جهت الهی بخشد و بهره وری انسان را از حیات دنیوی بیشتر کند و شئون زندگی ما را در دنیا معنا بخشد و حتی اثر جاودانه در عالم پس از مرگ نیز ایجاد نماید چنان که لسان روایت می فرماید: «کما تعیشون تموتون».(احسائی، ۱۴۰۵:ص ۷۲)

#### ۵-۱- تاثیر محبت به اهل بیت در زندگی فردی

با توجه به اینکه رفتار در سبک زندگی به دو قسم فردی و اجتماعی تقسیم می شود، در اینجا ابتدا نقش محبت به اهل بیت(ع) را در رفتار فردی مورد بررسی قرار داده و سپس به نقش محبت به اهل بیت(ع) در حوزه رفتار اجتماعی می پردازیم:

#### ۵-۱-۱- نقش محبت به اهل بیت در حوزه شناخت

دقت در حوزه های وجودی انسان یعنی، بینش، گرایش و رفتار ما را بدین مطلب رهنمون می سازد که هرکدام از این مولفه ها در دیگری تاثیرگذار هستند. هرچند در شکل گیری رفتار، ابتداء حوزه شناخت در حوزه گرایش تاثیرگذار بوده و سپس حوزه گرایش در رفتار نقش اساسی را دارد، با این حال، این بدان معنا نیست که از طرف مقابل، حوزه گرایش در بینش، نقشی نداشته باشد، بلکه همانگونه که گرایش های انسان از شناخت ها و معرفت او سرچشمه می

گیرد، گرایش‌ها می‌تواند در شناخت و معرفت‌تأثیرگذار باشند. چه بسا گرایش‌هایی که معرفت‌ها را تغییر می‌دهند و چه بسا گرایش‌هایی که سبب معرفت‌ناصحیح و یا صحیح می‌گردند. محبت نیز که از مقوله گرایش است، می‌تواند در شناخت‌تأثیرگذار باشد چه بسا محبتی که مودی به شناخت‌ناصحیح می‌شود. حب و بغض‌ها، هوا و هوس‌ها در شناخت‌ها تأثیرگذارند و این مسئله بر کسی پوشیده نیست. در مبحث ما نیز هرچند محبت به اهل بیت(ع) نتیجه معرفت و شناخت با آنهاست ولی این محبت می‌تواند در شناخت‌تأثیرگذار باشد. از باب تأثیر دو سویه، شناخت‌ها در گرایش‌ها و گرایش‌ها در شناخت‌ها اثرگذار می‌باشند. بنابراین محبت به امام معصوم علیه السلام اینجا نقش اساسی و کلیدی در شناخت انسان دارد در واقع اکسیر محبت باعث کشش انسان به سوی معصوم علیه السلام می‌شود که این میل و کشش زمینه جذب و افزایش لحظه به لحظه عشق و علاقه به امام معصوم علیه السلام را به دنبال دارد و باعث می‌شود که انسان در دایره شعاع انوار وجودی امام معصوم علیه السلام قرار گیرد و از نظر فکری و عملی متحول شود آن‌گاه سبک و روش زندگی او در زندگی فردی تغییر نموده حال او به احسن‌الحال تبدیل شده و رفتار او شبیه منش و رفتار امامش می‌شود.

محبت به اهل بیت شناخت‌های صحیحی را در زمینه‌های مختلف به ارمغان خواهد آورد. اولین شناختی که برای انسان حاصل می‌شود، شناخت خود اهل بیت(ع) است. این شناخت می‌تواند در تشدید محبت به آنها تأثیرگذار بوده و در شناخت مسائل اعتقادی و به طور کلی در شناخت دین تأثیرگذار باشند. در دعاها می‌خوانیم که اگر شناخت این بزرگوارها نباشد، انسان از دین منحرف شده و به بیراهه خواهد رفت.

برای نمونه امام جعفر صادق علیه السلام این دعا را به زراره آموزش دادند: "اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ! اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ! اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي!"، "خدایا! خود را به من بشناسان؛ که اگر تو خود را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! رسول خود را به من بشناسان؛ که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجّت خود را به من بشناسان؛ که اگر حجّت خود را به من نشناسانی، از دینت، به کژ راهه خواهم افتاد(کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵).

۱-۲- نقش محبت به اهل بیت در حوزه اعتقادات

در مورد این که آیا اعتقادات از حوزه بینشی می‌باشند یا از حوزه گرایش، اختلافاتی در میان دانشمندان اسلامی به چشم می‌خورد. اگر اعتقادات به همان تصدیقات قلبی تفسیر شوند، از حوزه بینشی محسوب شده و بدون شک، محبت در آنها نقش اساسی را خواهد داشت. زیرا چنانکه گفتیم از باب تأثیر متقابل حوزه‌های وجودی بر یکدیگر، گرایش‌ها در شناخت‌ها تأثیرگذارند. و اگر اعتقادات را از حوزه گرایش بدانیم، باز از باب تأثیر گرایش‌های مختلف در یکدیگر، محبت در گرایش‌های دیگر تأثیرگذار می‌باشد. در اینجا به نقش محبت به اهل بیت علیهم السلام در باورها و اعتقادات می‌پردازیم.

بر اساس روایات، حب به اهل بیت(ع) یک کردار و رفتار نیست که با انجام آن بتوان خود را از همه بدی‌های دیگر بیمه کرد بلکه این حقیقت یک گوهر اعتقادی و بینشی است که خود می‌تواند خاستگاه و سرلوحه همه نیکی‌ها و خوبی‌ها قرار گیرد به گونه‌ای که همه خوبی‌ها از دامن این گوهر تراوش کند. در تأیید این روایات می‌توان به حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره کرد: « قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَصْحَابِهِ أَيُّ عَرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

أَعْلَمُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصِّيَامُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَكَيْسَ بِهِ وَلَكِنْ أَوْثَقُ عَرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: کدام یک از حلقه های ایمان محکم ترند؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند و برخی گفتند: نماز، و برخی گفتند: زکات، و بعضی از آنها گفتند: روزه، و بعضی گفتند که: آن حج است و عمره، و بعضی گفتند: جهاد است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای آنچه گفتید فضیلتی است و آن که من پرسیدم نیست، ولی محکم ترین حلقه ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا و مهرورزی با دوستان خدا و بی‌زاری از دشمنان خدا است. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳۶).

و در حدیث دیگری فرمود: «سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست، هیچ یک از شما به مرحله ایمان نمی رسد، مگر آن که محبت او نسبت به من، از پدر و فرزندش بیش تر باشد و در واقع، من محبوب ترین مردم نزد او باشم.» (و الذی نفسی بیده لا یؤمن احدکم حتی اکون احب الناس الیه من والده و ولده) (ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۰۶). از حضرت علی (ع) سؤال شد، دوستی شما نسبت به رسول خدا (ص) چگونه بود؟ فرمود: «به خدا سوگند، او نزد ما از تمام مال و ثروتان، فرزندان، مادران، پدرانمان و از آب سرد گوارا در حال تشنگی، محبوب تر بود.» «سئل علیه السلام: کیف کان حبکم للرسول (ص)؟ فقال کان و الله احب الینا من اموالنا و اولادنا و امهاتنا و آبائنا و من الماء البارد علی الظما.» (ناظم زاده قمی، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

بر اساس فرمایش امیر مؤمنان (ع) در نهج البلاغه: «راز پیامبر بدان ها [اهل بیت] سپرده شده و هر که آنان را پناه گیرد، به حق راه برده است. آنان مخزن علم پیامبرند و احکام شریعت او را بیانگر، قرآن و سنت نزد آنان در امان است. آنان چون کوه افرشته، دین را نگهدارند و پشت اسلام به آن ها راست و ثابت و پابرجاست.» (موضع سره و لجأ امره و عیبه علمه و موئل حکمه و کھوف کتبه و جبال دینه بهم اقام انحاء ظهره.» (نهج البلاغه، ۱۴۱۲، خ ۲، ص ۷۴) همچنین طبق فرمایش آن حضرت اهل بیت (ع) دارای برترین مقام و معیار، و ملاک حقانیت هستند (نهج البلاغه، ۱۴۱۲، خ ۲، ص ۷۴). از جمله راه های قوی شدن باورهای دینی و مذهبی، راه محبت و عشق است. به دلیل نقش مهم عشق و محبت در تقویت باورهای دینی و مذهبی است که بزرگان، همواره بر عنصر محبت تاکید داشته اند. همانگونه که محبت در حدوث باور نقش اصلی را دارد، در بقاء و اشتداد آن نیز نقش اصلی را بازی می کند.

محبت به اهل بیت باعث دوری از محبت به هر چیزی است که وجهه دنیوی دارد و کوچکی دنیا محبت الهی را بیشتر می کند و موجب نزدیک شدن به توحید و ولایت الهی می شود چنانچه در روایتی آمده است: «إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ خَلَاوَةَ حُبِّ اللَّهِ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص: ۱۳۰) مؤمن آنگاه که از دنیا خالی و سماواتی شد و رفعت پیدا کرد، می تواند شیرینی محبت خدای متعال را بچشد.

چون کسی به مقام محبت رفیع رسید، محبت های کوچک از دل او رخت بر می بندند و محبت های دیگر نمی توانند او را به خود مشغول کنند.

### ۵-۱-۳- محبت به اهل بیت در حوزه گرایش ها

از آنجایی که محبت، خود از حوزه گرایش می باشد، محب واقعی اهل بیت (ع) گرایش به فضایی دارد که آنها می پسندند. این شخص نسبت به دنیا پرستی بی رغبت می شود به عنوان مثال: ذیل آیه «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا \* وَالْآخِرَةُ

خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی/۱۶-۱۷) روایت شده است که آخرت محیط ولایت ما و دنیا محیط ولایت ائمه جور و دشمنان ماست (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص: ۴۱۸).

اگر کسی در عالم دنیا، وارد وادی ولایت امام شد، از گرایش به دنیا نجات پیدا کرده و در آخرت قرار گرفته است زیرا محیط ولایت امام محیط توحید است و ائمه ابواب الله اند. ظاهر آیه «الْبُرِّ بَأْنُ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبُرِّ مِنَ اتَّقَى وَ اتُّوا الْبُيُوتَ مِنْ أِبْوَابِهَا» (بقره/۱۸۹) مربوط به بدعتی بود که در دوره جاهلیت نسبت به داستان حج وجود داشت اما در مورد باطن آن روایت شده که مقصود وادی توحید است. پس این آیه می فرماید هنگامی که می خواهید وارد وادی توحید شوید، از باب آن وارد شوید.

برای نایل شدن به انسانیت و همراه ساختن صورت انسانی خویش با سیرت انسانی، مهار نفس ضروری است. محبت به اهل بیت (ع) از جهتی موجب شکوفای گرایش های انسانی گشته و از جهتی با متابعت از دستورات آنها و اسوه قرار سیره آنها انسان را در مهار نفس کمک می کند. مهار نفس انسان از سه راه مراقبت فکر، مراقبت قلب و مراقبت اعضا و جوارح امکان پذیر است و محبت در هر سه حوزه نقش آفرین است.

به نظر می رسد اینکه قرآن کریم گوش و چشم و قلب را مورد سؤال و بازخواست قرار می دهد (اسرا: ۳۶) و یا امام سجّاد (ع) اعضا و جوارح را ذی حق دانسته، انسان مؤمن را به ادای حقوق اعضا و جوارحش فرا می خواند، اشاره به این است که ساده ترین و مهم ترین راه مهار نفس همین سه راه است. البته مهار اعضا و جوارح از ملموس ترین و مهم ترین راه های کنترل نفس به شمار می آید و در این میان، مراقبت زبان و بازداشتن چشم از حرام از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا بیشتر انحرافات و کج روی های آدمی از این دو عضو سر می زند. برای مثال، گناهی که با چشم انجام می شود، می تواند کنترل فکر را نیز به مخاطره بیندازد. از این رو، در حدیثی به نقل از امام ششم (ع) آمده است: «نگاه کردن یکی از تیرهای زهر آلود ابلیس است.» (صدوق، ۱۳۸۰: ۶۵).

همچنین از پیامبر (ص) روایت شده است: «از نگاه های زاید بپرهیزید؛ زیرا تخم هوس می پراکند و غفلت می زاید.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۸۸).

سرانجام، از امام علی (ع) در بیان کوتاه و زیبایی نقل شده است که فرمودند: «چشم کتاب دیده است.» (رضی، ۱۳۷۰: صص ۵۵۸ - ۵۶۰).

بنابراین، از طریق مهار این سه بُعد وجودی، می توان عنان نفس خویش را در اختیار گرفت و اجازه سرکشی را از آن سلب کرد. محب اهل بیت (ع) با گرایش به آنها هم گرایش های خود را اصلاح کرده و هم با جلودار قرار دادن این گرایش خطورات فکری و ذهنی خود را پاک و منزّه می گرداند.

۵-۱-۴- نقش محبت به اهل بیت در حوزه رفتار فردی

امام صادق (ع) شیعیان خویش را به ارائه الگوهای رفتاری برای جذب مخالفان توصیه می کرد تا همواره تربیت یافتگان مکتب جعفری، باعث افتخار و سربلندی باشند. آن حضرت به دوستان و پیروان خود می فرمود: «با قبیله های خود رفت و آمد داشته باشید، بر مرده آنان نماز بخوانید، بیمارانشان را عیادت کنید و حقوقشان را ادا نمایید. همانا فردی از شما هنگامی که صاحب تقوا و ورع در دین و صادق در گفتار و رفتار خویش باشد، ادای امانت کند و صاحب حُسن خلق با مردم باشد، گفته می شود: این، جعفری است، پس این سخن، مرا مسرور و شادمان می کند.» (مجلسی، ج ۷: ص ۱۷۹).

هر کدام از ما محبان اهل بیت (ع) باید با اقتدا به رسول اکرم (ص) بتوانیم شیرینی شناخت و دل نشینی معرفت ناب نبوی و علوی را در ذائقه جان های پاکان محبان سرازیر ساخته و بر غنای ارزش های الهی بیفزاییم. چنان که امیر مؤمنان علی (ع) در توصیف شیعیان می فرماید: «شیعیان ما عارفان به خدا، عاملان به اوامر الهی، اهل فضایل و صفات نیک، گویندگان سخنان صواب و صحیح، دارای غذایی اندک و لباس هایی متوسط هستند. کسانی که شیوه آنان تواضع است و دارای حلم و بردباری، تهجد و عبادت در شب ها، اشک ریزان از خوف خدا و عفت باطن هستند؛ اینان پاک ترین پیروان من و برادران عزیز و گرامی من هستند. چقدر دوست دارم آنان را بینم.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۹).

هدف اصلی اهل بیت (ع) از آموزه های تربیتی در حوزه صفات و رفتارهای اخلاقی امام، این است که نمونه بارز اخلاق انسان کامل و اسوه حسنه محاسن و مکارم اخلاق، و الگوی عینی از تحقق هدف آفرینش معرفی شود و تلاش بشر برای سیر صعودی و دستیابی به حیات طیبه، در مسیر سالم و راه درست سیر و سلوک دینی، جهت یابد، یاران امام به روشنی بتوانند ویژگی های او را بشناسند و برای پیروی از امام تمام تلاش خود را به کار گیرند و مظهر شمع وجودش شوند و نیز زندگی آنان، نمونه هایی از زندگی سالم انسانی باشد. (نراقی، بی تا: ج ۱: ۲۶-۲۷).

در روایتی پیامبر اکرم (ص) می فرماید: در محبت اهل بیت من ده خصلت دنیوی و ده خصلت اخروی است که محبین اهل بیت به آن راه پیدا می کنند. اولین صفت از ده صفت دنیوی، زهد در دنیا است که فرمود: «أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ». زهد به معنای داشتن و نداشتن نیست و در بیرون انسان شکل نمی گیرد بلکه زهد در ارتباط انسان با نعمت ها و امکانات شکل می گیرد. از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمودند: «فَأَمَّا الزَّاهِدُ فَقَدْ خَرَجَتِ الْأَخْرَازُ وَالْأَفْرَاحُ مِنْ قَلْبِهِ فَلَا يَفْرَحُ بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا وَلَا يَأْسَى عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا فَاتَهُ فَهُوَ مُسْتَرِيحٌ» (کلینی، ج ۲، ص: ۴۵۶).

دومین خصلت از خصلت های دنیوی محب اهل بیت «وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ» است. محب امام در عین اینکه زاهد است و آمد و شد دنیا تاثیری بر دل او نمی گذارد، انگیزه ای بالاتر برای عمل کردن دارد. محبین در دنیا مشغول به کارند اما این کارشان برای دنیا نیست. محبین بیش از همه عمل می کنند و خالص ترین اعمال را دارند سومین صفت محبین «الورع فی الدین» است. محبین در دینشان اهل ورع اند. و چهارمین صفت محبین این است که در عبادت و بندگی خداوند رغبت دارند و مشتاق آن هستند.

اگر کسی محب ائمه (ع) شد، اثر آن این است که به بندگی خدا راغب و مایل می شود و شیفته آن می شود. صفت پنجم، توبه پیش از مرگ و صفت ششم نشاط در قیام اللیل است که فرمود: «وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَالنَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ». اگر کسی اهل محبت شد نه تنها اهل قیام لیل و شب زنده داری می شود بلکه در آن نشاط هم دارد.

صفت هفتم: «وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ» می باشد. کسی که به مقام محبت رسیده از آنچه در دست مردم است مأیوس می شود. یک معنای صفت فوق این است که چون آنچه در دست مردم است با جنس آنچه طلب می کند تناسبی ندارد. پس کسی که به محبت امام رسیده و دنبال امامش می گردد، چیزی در دست مردم نمی بیند تا به آن طمع داشته باشد (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص: ۲۳۰).

محبین اهل رجاء بالله و یأس از ما سوی الله هستند. اگر دیدید کسی هنوز به دست مردم طمع دارد، معنایش این است که هنوز به مقام محبت راه پیدا نکرده است.

صفت هشتم کسی که در مقام محبت ائمه (ع) قرار دارد، نسبت به امر و نهی محافظت دارد چنان که فرمود: «وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ». یعنی مراقب هستند که امر و نهی الهی به بهترین و زیباترین وجه انجام شود. یعنی از سر اشتیاق



به امر و نهی الهی عمل می کنند. نهمین صفت این که محب اهل بیت (ع) نسبت به دنیا یعنی محیط ولایت ائمه جور بغض پیدا می کند. آخرین و دهمین صفت دنیوی محب اهل بیت (ع) سخاوت است که فرمود: «وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ». سخاوت یعنی همه چیزش را می دهد و هیچ طمعی هم ندارد. سخی کسی است که از داشته های خود بدون هیچ طمعی می گذرد. کسی که سخی است از بخشش رنج نمی برد و امکاناتی که خدا به او داده است به آسانی می بخشد و لذت می برد که آن را در راه محبوب خود خرج کرده است. سخاوت یعنی در نهایت زیبایی و محبت خرج و بخشش کردن و از بخشش خود هم نگران بودن است که آیا محبوبش می پسندد یا نه. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص: ۲۳۰)

تاسی به اهل بیت (ع) در پرتو محبت به آنها بر این حقیقت تأکید دارد که اخلاق بیت (ع) همان اخلاق محمدی است. آن حضرات همانند جدشان رسول خدا جامع صفات و رفتارهای ارزشی و مظهر کامل اخلاق خداوندی هستند که در آموزه های تربیتی تخلّق به آن بسیار مورد تأکید است. در آموزه های رسول خدا و توصیه ایشان در تخلّق به اخلاق الهی به تصریح عامه و خاصه در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده آمده است که تمام ائمه هدی مظهریت تام اخلاق الهی را دارند. گفتنی است در معرفی کلی شخصیت اخلاقی امام تأکید بر این است که نه تنها ایشان داری محاسن اخلاقی اند، بلکه مکارم اخلاق را به صورت تام دارند. در توضیح محاسن و مکارم اخلاق باید توجه داشت که در روایات، معمولاً محاسن اخلاق به صفات و رفتارهای اخلاقی اطلاق می شود که روابط اجتماعی و معاشرت با دیگران را با ارزش می سازد و سبب سازمان دهی بهتر روابط اجتماعی و بهبود زیست افراد با یکدیگر، گروه ها و جوامع انسانی می شود و در آموزه های اهل بیت محاسن اخلاق، در مقابل تساوی اخلاق و حسن خلق در برابر سوء خلق مطرح شده است. پیامبر اکرم می فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ شَقَاوَتِهِ سُوءُ الْخُلُقِ». (نوری، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۸۳) هنگامی که از امام صادق پرسیدند: «ما حدّ حسن الخلق؛ محدوده حسن خلق چیست؟» فرمود:

«تَلِينُ جَانِبِكَ وَ تَطْيِيبُ كَلَامِكَ وَ تَلْقَى أَخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ»؛ (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۲۵۳) با مردم به نرمی برخورد کن و پاک و مؤدب سخن بگویی و در رویارویی با برادرانت گشاده روی باش.

#### ۵-۲-تأثیر محبت اهل بیت در سطح خانواده

نهاد خانواده از نهادهای مهم جوامع بشری است که بسیاری از نیازهای زیستی و روانی انسان ها را برآورده می کند. حب اهل بیت (ع) می تواند رفتار انسان با اهل خانه را مطابق فرامین آن حضرات قرار داده و با الگو قرار دادن آن بزرگواران منش و کنش خود را تنظیم نماید.

#### ۵-۲-۱-محبت به اهل بیت و پیروی از آنها در رفتار با والدین

در این بخش پیروی از سنت اهل بیت (ع) بهترین اثر محبت به آنهاست. در این باره نقل شده که شخصی می گوید از امام صادق (ع) درباره آیه «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» در سوره اسراء سؤال کردم که این احسان چیست؟ امام (ع) نکات مهمی را در این باره تذکر دادند:

اول: با آنها خوب مصاحبت کن، احترام آنها را نگه دار، گرم باش، انیس و مونس آنها باش، در کنار آنها بنشین و دست آنها را ببوس.

دوم: حاجت آنها را برآورده کن سپس به نکته مهمی اشاره فرمودند که: «وَأَنْ لَا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ» وقتی می دانی آنها به خدمت تو نیاز دارند، صبر نکن تا از تو درخواست کنند و همین مقدار هم آنها را به خجالت و سختی نینداز.

سوم: اُف نگفتن. یعنی اگر تو را آزردهند حتی اگر شما را کتک زدند، به آنها اف نگویی.  
 چهارم: «وَلَا تَنْهَرُهُمَا» پدر و مادر را از محیط زندگی خود دور نکن که این کار بسیار ناروایی است، خصوصاً پدر و مادر سالمند باید در کنار فرزندان باشند. حتی اگر پدر و مادر به سبب کهولت سن با شما درشتی کنند نه تنها عکس العمل بدی نشان ندهید، بلکه به ایشان بگویید «عَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ»؛ خدا شما را بیامرزد.  
 پنجم: نگاه تند به پدر و مادر نکن. چشم خود را به طور خیره به صورت آنها مدوز، «إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرِقَّةٍ؛ مگر با لطف و با مهربانی».

ششم: «وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَلَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَلَا تَقْدِّمَ قُدَّامَهُمَا»؛ صدای خود را از صدای آنها بالاتر مبر، دست خود را بالای دست آنها قرار نده و در جلوی آنها حرکت مکن. منظور این است که خود را بالاتر از آنها نشان نده. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: صص ۱۵۸-۱۵۷)

۵-۲-۱-۱-اهل بیت و احترام و احسان به والدین

در سنت اهل بیت (ع) احترام به قدری اهمیت دارد که حتی اگر والدین کافر باشند احترام به آنها لازم می باشد. یکی از اصحاب به نام معمر بن خلّاد می گوید: به امام رضا (ع) گفتم «أدعوا لوالدئ إذا كانا لا يعرفان الحق؟ قال ادع لهما وَ تَصَدَّقْ عَنْهُمَا وَ إِنْ كَانَ حَيِّينَ لَا يَعْرِفَانِ الْحَقَّ فَدَارِهِمَا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ إِنْ اللَّهُ بَعَثَنِي بِالرَّحْمَةِ لَا بِالْعُقُوقِ» (قمی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ص ۲۴۵) اگر پدر و مادر من اعتقادی به حق (و به ائمه هدی (ع)) نداشتند، برای آنها دعا کنم؟ حضرت فرمودند: برای آنها دعا کن و به جای آنها صدقه بده. اگر آنها حق را نمی شناسند و زنده هستند، با آنها مدارا کن. چرا که این کلام رسول خدا است که فرمودند: خدا من را به رحمت مبعوث کرده است، نه به عاق. یعنی مواظب باشید هرچند آنها بر دین حق نباشند، اما شما عاق والدین نشوید.

این روایات جایگاه والدین را در نظام ارزشی بیان می دارد. در کتاب شریف کافی داستان مفصلی است که در اینجا به اختصار عرض می کنم: شخصی می گوید من نصرانی بودم و مسلمان شدم، در سفری خدمت امام صادق (ع) رسیدم سوال هایی داشتم و جواب گرفتم. ایشان درباره مادر پیر و نابینایی که داشتم به من سفارش هایی کردند. وقتی از سفر برگشتم، سخنان امام در من اثر کرده بود و با مادرم بیش از گذشته مهربانی می کردم. روزی مادرم گفت: فرزندم! چه شده است از زمانی که وارد دین جدیدی شده ای به گونه ای به من مهر می ورزی که سابقه ندارد؟! ماجرا را گفتم که فرزندی از فرزندان رسول خدا درباره شما چنین سفارشی کرده است.

مادرم گفت: این دین، دین حق است، چرا که این سفارش ها، سفارش انبیای الهی است. آنگاه ایمان آورد و مسلمان شد. آن شب نماز مغرب و عشا را خواند، و از من خواست تا شهادتین را برای او بازگو کنم؛ این کار را کردم و بعد از شهادتین از دنیا رفت. فردای آن روز مسلمان ها آمدند و با آداب اسلامی مراسم او را انجام دادند و من بر او نماز خواندم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۵۳۸) یعنی با یک برخورد خوب، مادر او با حال اسلام و مؤمن به خدا و پیغمبر اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) از دنیا رفت.

گاهی فضیلت نیکی به پدر و مادر همسنگ و همگون با نماز و جهاد و جانبازی در راه خدا بر شمرده شده است. در این زمینه پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «بَرَّ الْوَالِدَيْنِ يَجْزِي عَنِ الْجِهَادِ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ۱۶۴) نیکی به پدر و مادر، جای جهاد را می گیرد.

۵-۲-۱-۲-اهل بیت و اطاعت از والدین

قرآن کریم در آیات زیادی در کنار توصیه به اطاعت از والدین، این نکته را نیز گوشزد می‌کند که متابعت از پدر و مادر، مشروط بر عدم تضاد با فرمان خداوند است و در صورتی که متابعت از والدین، سبب خروج از عبودیت شود، این اطاعت لازم نیست. خداوند متعال، پیش از آن که اطاعت از والدین را بخواهد، دعوت به عبودیت و پرستش و اطاعت خویش و عمل به اصل توحید را می‌خواهد. بالاترین حق را خداوند بر گردن ما دارد که بر تمام حقوق دیگر، مقدم است.

در آئینه احادیث و روایات نیز اطاعت از والدین، زیرمجموعه و تحت الشعاع اطاعت از پروردگار بر شمرده شده است و در حدیث وارد شده که «لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق» (دستی، ۱۳۹۰: ۳۲۱) طاعت هیچ آفریده‌ای از رهگذر نافرمانی آفریدگار، معقول و جایز نیست و ما مجاز نیستیم که اطاعت از غیر خدا را بر اطاعت از خدا ترجیح دهیم و خداوند متعال در قرآن مجید، ما را به اطاعت کورکورانه و چشم و گوش بسته از پدران و نیاکان بر حذر می‌دارد و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائِكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ. (توبه، آیه ۲۳). ای اهل ایمان! شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید، اگر آنها کفر را بر ایمان ترجیح دهند، و هر کس از شما آنان را دوست بدارد، بی‌شک، ستمکار است.

در حقیقت، همه چیز باید فدای هدف اصلی، یعنی توحید شود. در آیه بعد، خداوند می‌فرماید که عشق و علاقه انسان به زن و فرزند و مال و مقام و خانه، نباید مانع از اجرای حکم خدا و جهاد گردد و او را از هدف مقدسش باز دارد. خداوند در سوره لقمان، درباره پدران و مادران بت پرست می‌فرماید: «وَ إِنِ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَ صَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (لقمان، آیه ۱۵)

اگر آنها (پدر و مادر) به تو اصرار دارند که چیزی را که شریک خدا نمی‌دانی، برای او شریک قرار دهی، هرگز از آنها اطاعت مکن؛ ولی در زندگی دنیا با آنها به نیکی رفتار کن.

خلاصه آنکه رضایت والدین و دوستی آنان، بسیار مورد سفارش است؛ ولی این امر نباید باعث اطاعت کورکورانه و بی‌تعقل شود، به صورتی که حتی به دعوت کفرآمیز آنان نیز رضایت دهیم.

در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مردی به حضور آن حضرت شرفیاب شد و عرض کرد: ای رسول خدا! علاقه دارم در جهاد شرکت کنم». پیامبر صلی الله علیه و آله هم او را به امر خیر تشویق نمود، تا اینکه آن مرد عرض کرد: یا رسول الله! من پدر و مادر پیری دارم که از رفتن من به جبهه کراهت دارند». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت، ملازم پدر و مادرت باش. سوگند به آن خدایی که جانم در دست اوست، بودن یک شبانه روز با آنها از جهاد یک سال بهتر است. (دستی، ۱۳۹۰: ۴۲۱)

۲-۳- محبت به اهل بیت و پیروی از آنها در همسر داری

خداوند در آیه ی ۲۱ سوره ی روم، به اصل وجود عشق و احساس محبت متقابل بین زن و شوهر اشاره فرموده: «از نشانه های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد.

ائمه معصومین (ع) به ابراز علاقه به همسر تأکید نموده اند و در سیره ی عملی ایشان این امر در موارد متعددی به چشم می‌خورد. اهل بیت (ع) بهترین الگو در این زمینه است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«کلمه ازداد العبد ایمانا ازداد حبا للنساء، هر چه ایمان بنده زیاد شود، محبت [وی] به زن ها نیز زیاد می شود.» دوستدار اهل بیت (ع) دوستدار همسر است. همینطور می فرماید: وقتی مرد به زن خود با محبت می نگرد و زنش نیز به او با مهر نگردد، خداوند به دیده ی رحمت به آن ها نگاه می کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۰۹) امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «کل من اشد لنا حبا اشد للنساء حبا، هر کس بیشتر دوستدار ما (خاندان عصمت و طهارت) باشد، به زن ها (همسرش) نیز بیشتر دوستی می کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۱۲).

برای ایجاد علاقه در دستور العمل های آنها توصیه های بیان شده که به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم:

-دوری از تکبر و خشونت

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «فدارها علی کل حال واحسن الصحبة لها فیصفو عیشک، همیشه با همسرت مدارا کن، و با او به نیکی همنشینی کن تا زندگیت باصفا شود.» از تکبر و خشونت پرهیز (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۱۴).

- ترحم و نوازش

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «خیر الرجال من امتی الذین لایتناولون علی اهلهم و یحنون علیهم ولا یظلمونهم، بهترین مردان امت من، آن کسانی هستند که نسبت به خانواده خود خشن و متکبر نباشند و بر آنان ترحم و نوازش کنند و به آنان آزار نرسانند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۱۴).

- پرهیز از کتک

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «فای رجل لطم امراته لطمه، امرالله عزوجل مالک خازن النیران فیلطمه علی حر وجهه سبعین لطمه فی نار جهنم، هر کس به صورت زنش سیلی بزند، خداوند به آتشیان جهنم دستور می دهد تا در آتش جهنم هفتاد سیلی بر صورت او بزند.»

-سخن نیکو

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «قول الرجل للمرأة انی احبک لا یذهب من قلبها ابدا، این گفتار مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی رود.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۱۵).

- ایجاد رفاه

امام رضا علیه السلام می فرماید: «الکآد علی عیاله من حل کالمجاهد فی سبیل الله، کسی که از راه حلال برای تامین رفاه خانواده اش تلاش می کند، همچون مجاهدی است که در راه خدا جهاد می کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۱۶).

- هدیه دادن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «من دخل السوق فاشتری تحفة فحملها الی عیاله کان کحامل صدقة الی قوم محاو یج ولیدها بالاناث قبل الذکور فان من فرح ابنته فکانما اعتق رقبة من ولد اسماعیل ومن اقر بعین ابن فکانما بکی من خشية الله ومن بکی من خشية الله ادخله الله جنات النعیم، هر کس به بازار رود و هدیه ای برای خانواده اش بخرد و ببرد، [پاداش او] مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می برد و هنگامی که هدیه را به خانه می برد، باید، قبل از پسران، به دختران بدهد، زیرا کسی که دخترش را شادمان کند، مانند کسی است که یک بنده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است. و هر کس [با دادن هدیه ای] چشم پسری را روشن کند، گویا از ترس خدا گریسته است و هر کس از ترس خدا بگرید، خداوند او را داخل نعمت های بهشت کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴:ص ۵۱۷).

۵-۲-۳-۱-اهل بیت و احترام به همسر

احترام به همسر از عواملی است که در تربیت فرزندان، تأثیر فراوانی دارد. مادری که در خانه، عزیز باشد و مورد تکریم شوهرش قرار گیرد، با روحی سرشار از عاطفه و آرامش و احساس شخصیت، فرزندان را تربیت خواهد نمود. به عکس اگر همسر در خانه مورد آزار و اذیت روحی و جسمی قرار گیرد و شخصیتش در خانه و پیش فرزندان تحقیر شود، بدیهی است که از روان سالمی برخوردار نخواهد بود و در نتیجه، آرامش خود را از دست داده و اضطراب و نگرانی او در فرزندان نیز تأثیر خواهد گذاشت.

انسان در دوران زندگی با حوادث و مسائلی رو به رو می شود که او را نگران و متأثر می سازد. فردی که احساس کند از طرف دیگران مورد ستم واقع شده، اگر برای رسیدن به حق خود تلاش کند و نتواند به آن برسد، دچار نگرانی خواهد شد. حال اگر برای زن یا شوهر چنین مشکلی پیش آید و با حالت تأثر وارد خانه شود، ممکن است گلیه کرده و از همسر انتظار داشته باشد که در این شرایط به او کمک کند و از او دفاع نماید. و در نتیجه، هر گونه تصور کوتاهی را در این رابطه دور از انتظار می داند.

همسر در این حالت های ویژه، باید سعی کند با مهربانی، احترام و دلجویی چنان رفتار کند که از اندوه و تأثر او بکاهد. در چنین شرایطی، سخنان منطقی و محترمانه همسر می تواند اثبات نماید که: من در دفاع از حق تو کوتاهی نکرده ام و آنچه مصلحت بوده و توان داشتم، در این رابطه انجام داده ام. (حجتی، ۱۳۷۸: ۱۳۹)

برای به تصویر کشیدن بالاترین حد تکریم امام حسین علیه السلام به فرزند و همسرش نیز اشعار آن حضرت بهترین شاهد است. آن حضرت در روز عاشورا در مورد همسرش «رباب» و دخترش «سکینه» می فرماید: به جان تو سوگند! من خانه ای را دوست دارم که در آن سکینه و رباب باشند. من آنها را دوست دارم و عمده اموالم را می بخشم به آنان و کسی را شایسته نیست مرا سرزنش کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ص ۴۷).

۵-۲-۳-۲-اهل بیت و محبت به همسر

از مسایلی که در زندگی مشترک زن و شوهر مطرح و در سعادت و خوشبختی و نشاط خانواده تأثیر به سزایی دارد، انجام کارهای مربوط به زندگی و تأمین نیازها و انجام کارهای خانه است. این مسئله اگر به صورت عادلانه و صحیح حل شود و هریک از زن و شوهر وظیفه خود را به خوبی انجام دهند، بسیاری از مشکلات پیش نخواهد آمد و صفا و صمیمیت در محیط خانواده حاکم خواهد شد. حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام در آغاز زندگی مشترک برای تعیین مسئولیتشان در کانون خانواده، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و از آن حضرت درخواست داوری نمودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله کارهای درون خانه را برعهده حضرت فاطمه علیها السلام گذاشت و کارهای بیرون خانه را به حضرت علی علیه السلام سپرد. فاطمه علیها السلام می فرماید:

«جز خدا کسی نمی داند که من چه اندازه خوشحال شدم از اینکه کارهای درون خانه به من واگذار شد و از کارهای بیرون خانه و معاشرت و تماس با مردان معاف شدم.» (عاملی، ج ۱۴: ص ۱۲۳).

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«علی علیه السلام هیزم می آورد، آب مورد نیاز خانه را تأمین می کرد و خانه را جارو می نمود. حضرت زهرا علیها السلام نیز آرد می کرد، خمیر آماده می نمود و نان می پخت.» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵: ص ۸۶ ح ۱).

از برخی روایات استفاده می شود که حضرت علی علیه السلام بعضی اوقات در کارهایی مانند تهیه آرد و آسیاب کردن نیز به کمک همسرش حضرت زهرا علیها السلام می شتافت.

از این روایات و نظایر آن، به خوبی استفاده می شود که اهل بیت علیهم السلام به حسن زیبایی دوستی همسر خود احترام می گذاشتند و امکانات لازم را در حد متعارف آن زمان، برای آنها فراهم می نمودند.

#### ۵-۲-۴- محبت به اهل بیت و متابعت از آنها در فرزند پروری

فرزند، موهبتی الهی است و رابطه معنوی والدین و فرزندان، هر دو را از رحمت‌های واسعه ربوبی بهره‌مند می کند. مادر از تأثیرگذاری بیشتری در فرزند پروری برخوردار است. مرحوم امام خمینی در این رابطه می فرماید: «مربی انسان‌ها، زن است. سعادت و شقاوت کشورها، بسته به وجود زن است. زن با تربیت خودش، انسان درست می کند و با تربیت صحیح خودش، کشور را آباد می کند...». از همین رو است که امام علی (علیه السلام) بعد از شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)، دقت بسیاری برای انتخاب همسر داشت.

در سنت اهل بیت (ع) راهکارهای مراقبتی مهم‌ترین روش در شیوه فرزندپروری برشمرده شده است. برای فرزند پروری به شیوه پیشنهادی اهل بیت (ع) رعایت نکاتی در سه مرحله باید انجام گیرد:

#### ۱- انتخاب همسر شایسته

انتخاب همسر شایسته، دقت در انتخاب همسری دیندار و ولایت‌مدار، موجب می شود که فرد بتواند در آینده در تربیت نسل ولایی موفق باشد.

حاصل ازدواج زن و مرد صالح، فرزندان معتقد و در نتیجه داشتن جامعه‌ای نیکو خواهد بود؛ زیرا توقع یک جامعه صالح، بدون اصلاح خانواده، کاملاً بی جا و خلاف حقیقت است. چنانکه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: «شیر، پایه و اساس تربیت است؛ چرا که صفات زن را به طفل منتقل می کند».

#### ۲- مراقبت‌های دوران جنینی و نوزادی

مراقبت‌های دوران جنینی و نوزادی از طرف مادر مثل دقت در حلال و حرام، برقراری ارتباط مادر با امور مقدس در دوران جنینی و گفتن اذکار و انجام کارهای دینی، مثل شرکت مادر در مجالس اهل بیت؛ زیارت ائمه معصومین؛ خواندن زیارت جامعه، عاشورا و حدیث کساء، تلاوت قرآن کریم، خوردن آب فرات و انجام دستورات عمل‌های بزرگان برای دوران بارداری نیز توصیه می شود. چنانکه امام علی (علیه السلام) فرموده است: «اگر مردم کوفه، کام نوزادان خویش را با آب فرات برداشته بودند، آن‌ها شیعه ما می شدند». امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده است: «کام فرزندان خود را با تربت حسین (علیه السلام) بردارید که مایه امنیت (جسم و روان) کودک خواهد بود». در زندگی نامه بسیاری از بزرگان دین آمده است که مادران‌شان آنان را با وضو شیر داده‌اند. درباره زمینه‌سازی محبت نمودن فرزند آدابی مانند اذان و اقامه گفتن نیز در گوش نوزاد هنگام تولد و نام نیک نهادن برای او آمده است. امام رضا (علیه السلام) فرموده است: «اولین نیکی پدر به فرزند خود، این است که او را به اسم خوبی نامگذاری کند». بی دقتی نسبت به حلال و حرام بودن غذای طفل، او را دچار تاریکی روحی و گاهی شقاوت دینی و دشمنی با اهل بیت؛ می کند چنانکه امام حسین (علیه السلام) در بیان علت عدم تأثیرگذاری سخنان‌شان بر لشکریان عمر سعد در روز عاشورا فرمود: «شکم‌های شما از حرام انباشته شده است» (اکبری، ۱۳۹۹: ص ۱۲).

محکم‌ترین و پایدارترین عشق و محبت‌ها، در نتیجه افزایش معرفت به وجود می‌آید. پدر و مادری که نسبت به تربیت دینی فرزندان خود دغدغه دارند، ابتدا باید شناخت و آگاهی کودکان و نوجوانان خود را نسبت به اهل بیت (ع) افزایش دهند؛ زیرا دوران کودکی و نوجوانی، فرصت خوبی برای دانش‌افزایی است. چنانکه امام علی (علیه السلام) فرموده است: «وَ إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ص ۲۷۰). قلب نوجوان نارس مانند زمین خالی است؛ هر تخمی که در آن افشانه شود، به خوبی می‌پذیرد». بنابراین والدین با توجه به شرایط معنوی موجود، باید محبت را از مراحل ساده و عاطفی در فرزندان ایجاد کنند و در مراحل بعدی با صحبت درباره زندگی و اخلاق اهل بیت (ع) و ایجاد شناخت بیشتر، آن را تعمیق دهند تا محبت جزئی از وجود فرزند گردد.

این محبت می‌تواند فرزند را به حقیقت اسلام هدایت کند؛ چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «فرزندانتان را با محبت من و محبت خاندان من و محبت قرآن، تربیت کنید». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲: ص ۲۷۳)

### ۵-۳- تاثیر محبت اهل بیت در سبک زندگی اجتماعی

محبت به اهل بیت (ع) نه تنها انسان را در بعد فردی پیرو آنها قرار می‌دهد که سمت و سوی حیات اجتماعی را روشن می‌سازد. در سبک زندگی اجتماعی اهل بیت (ع) فردی که حاکمیت غیر خدا را پذیرا باشد، هرگز نمی‌تواند مطیع خدا باشد چنانچه قرآن به ما دستور داده است که ولایت ستمگران را نپذیریم و از آن بیزاری بجوییم، چون که پذیرفتن ولایت آنان چیزی به جز گمراهی و تاریکی به دنبال ندارد.

در قرآن کریم آمده است که خداوند سبحان انسان‌ها را متفاوت آفریده است: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (سوره نوح، آیه ۱۴). این تفاوت‌ها باعث نیاز افراد به یکدیگر می‌شود، در نتیجه همان‌طور که انسان‌های یک جامعه جهت تداوم زندگی، به یکدیگر نیاز دارند، جوامع مختلف نیز برای رشد و تکامل به یکدیگر نیازمندند. حتی ارتباط با بلاد دیگر موجب رفع بسیاری از نیازهای علمی و اقتصادی می‌شود و جامعه اسلامی ناگزیر است برای تداوم حیات خود با جامعه - های دیگر ارتباط داشته باشد. این نیاز از صدر اسلام مورد توجه پیامبر (ص) بوده، چنانچه در هنگام محاصره سیاسی مسلمانان در صدر اسلام، ایشان گروهی از مسلمانان را به رهبری جعفر بن ابوطالب (ع)، به حبشه هجرت دادند. (کلینی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ص ۴۲)

مهمتری چیز در بعد اجتماعی در سیره و سبک زندگی اهل بیت (ع) اتحاد مسلمانان است. اتحاد در لغت به معنای یکی شدن و واحد بودن دو چیز و دو امری است که سنخیت و قابلیت و امکان یکی شدن را دارند. در امور اجتماعی وحدت به معنای اتحاد افراد یک جامعه، و یا پیروان یک دین و به معنای تکیه افراد بر اشتراکات، افکار و آرمان‌های مشترک و هم سو بودن در جهت هدف اصلی و مهم‌تر، و پرهیز از تفرقه و تعصب بر سر مسائل فرعی اختلافی است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۵۸).

### ۵-۳-۱- نقش محبت اهل بیت (ع) در حوزه رفتار فرهنگی

بدیهی است که وجود اهل بیت (ع) آثار فرهنگی بسیاری در جامعه بشری دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است: الف: هدایت‌گری: اهل بیت (ع) همواره بالاترین نقش را در حفظ و احیای دین اسلام و ارزش‌های آن، تفسیر آیات قرآن، تبیین احکام و دستورات دین، دلسوزی و سرپرستی مردم و هدایت آنان به سوی رشد و کمال بر عهده داشتند. این اهتمام ویژه آنان نسبت به دین و مسائل و احکام آن موجب چنین تأکیدی شده است، تا مردم متوجه مقام والای آنان شده و در مسیر حرکت کمالی و پیمودن راه هدایت، از آنان پیروی کنند؛ زیرا که هدف اصلی قرآن هدایت انسان‌ها

است: «الم، ذلك الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین». (بقره، آیه ۱-۲) و کسی که در آیات قرآن کریم مقداری دقت کند، به وضوح می‌تواند صحت این استنباط را تصدیق کند و چون امامان شیعه مقتدا و راهنمای امت بودند، از این جهت عنوان «اهل البیت» بر آنها تطبیق شده است؛ از این رو پیامبر اکرم (ص) که در واقع مفسر و مبین قرآن کریم است، وقتی می‌خواهد مقام مرجعیت دینی و امامت و پیشوایی بعد از خودشان را بیان نمایند، از همین واژه‌ی اهل‌بیت استفاده نموده و آن‌را به عترت خود تفسیر نموده و می‌فرماید:

«من در میان شما دو گوهر گرانبها باقی می‌گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل‌بیت من است که اگر به این دو تمسک نمایید و به آن‌ها پیوندید، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در قیامت بر من در حوض کوثر وارد شوند». (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۲۹۴) در این حدیث پیامبر اکرم (ص) علاوه بر بیان و تفسیر اهل‌بیت به نقش هدایتی آنان که به اندازه نقش هدایتی قرآن مجید است تصریح شده است.

همچنین آن حضرت در احادیث دیگری در ضمن تمثیل‌های زیبا نقش والا و وظایف خطیر اهل‌بیت را بیان فرمود. در حدیث سفینه فرمود: «همانا مثل اهل‌بیتم در میان شما، مانند کشتی نوح است که هر کس سوارش شود نجات یابد و هر کس از آن تخلف کند غرق می‌گردد». در این حدیث پیامبر اکرم (ص) یکی از وظایف خطیر اهل‌بیت را هدایت انسان‌ها به سوی نیکی، احسان، سعادت و نجات آنان از گمراهی‌ها و هلاکت بیان می‌کند.

و در حدیث دیگری فرمود: «همانا مثل اهل‌بیتم در میان این امت، مانند ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره‌ای غروب کند ستاره دیگری طلوع می‌کند...». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ص ۴۴) در این حدیث پیامبر اکرم (ص) به نقش هدایتگری و امنیت بخشی اهل‌بیت اشاره فرمود.

ب: تزکیه اخلاق: همه معارف از اهل‌بیت (ع) است هر چه در این زمینه بخواهیم باید به سراغ آن بزرگواران برویم و به طور قطع هر که به جای دیگر برود؛ جایی که از اهل‌بیت بریده و منقطع باشد، به ضلالت و گمراهی رفته است. در زیارت جامعه کبیره آمده است:

وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَبِيبًا لِخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً، لَنَا وَ كَفَارَةً لِدُنُونِنَا (و نیز آنچه از ولایت شما به ما اختصاص داد، همه اینها را سبب پاکی سرشت و اخلاق ما، و پاکیزگی جان‌هایمان و پاک‌سازی و رشد ما و جبران گناهانمان قرارداد. یکی از نشانه‌های حلال‌زادگی، محبت اهل‌بیت (ع) است. این باور که ریشه در سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، از همان ابتدا، مورد توجه مسلمانان بوده است. یاران پیامبر صلی الله علیه و آله، برای اطمینان از سرشت پاک فرزندان خود، آنان را به دوستی امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌آزمودند و چنانچه فرزندی نسبت به علی علیه السلام کینه داشت، در حلال‌زادگی او تردید می‌کردند.

روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در جمع مردم، در باره علی علیه السلام فرمود:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ! اِمْتَحِنُوا أَوْلَادَكُمْ بِحُبِّهِ؛ فَإِنَّ عَلِيًّا لَا يَدْعُو إِلَى ضَلَالَةٍ وَلَا يَبْعُدُ عَنْ هُدًى، فَمَنْ أَحَبَّهُ فَهُوَ مِنْكُمْ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ فَكَيْسَ مِنْكُمْ (ابن عساکر، ج ۴۲، ص ۲۸۸).

ای مردم! فرزندان خود را با دوستی علی بیازمایید؛ زیرا علی، هرگز به گمراهی فرا نمی‌خواند و از راه راست، دور نمی‌شود. پس هر یک از فرزندان شما که علی را دوست داشتند، از شما هستند، و هر کدام که او را دشمن داشتند، از شما نیستند.



ج: گسترش علم و دانش: ائمه (ع) معلم و آموزگار خلاق هستند. باید توجه داشت که علم اول و آخر نزد اهل بیت (ع) است چنان که در روایت زیر آمده است:

قال الصادق عليه السلام: يا يونسُ ، إذا أردتَ العِلْمَ الصَّحِيحَ فَخُذْ عَن أَهْلِ الْبَيْتِ ، فَإِنَّا رُوِينَاهُ ، وَأُوْتِينَا شَرْحَ الْحِكْمَةِ ، وَفَصَلَ الْخِطَابِ ، إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَانَا وَأَتَانَا مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶: ص ۱۵۸)

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای یونس! هرگاه طالب علم صحیح بودی آن را از اهل بیت بستان، چه، آن برای ما روایت شده است و به ما شرح حکمت و سخن فصل داده اند. خداوند ما را برگزیده است و به ما آن داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است.

«بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ ۗ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ» (عنکبوت، آیه ۴۹). ( بلکه این قرآن آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که (از خدا نور) علم و دانش یافتند، و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند).

حدود بیست حدیث در کتب تفسیری وارد شده که مراد از «أُوتُوا الْعِلْمَ»، در این آیه امامان معصوم (ع) هستند. ( کلینی، ۱۳۸۷ق، ج ۱: ص ۵۲)

۵-۳-۲- نقش محبت به اهل بیت در حوزه رفتار اقتصادی

از سنت اهل بیت (ع) استفاده می شود که کار و تلاش فقط جنبه مادی و اقتصادی ندارد؛ بلکه اگر از طرق حلال و مشروع صورت گیرد خودش عبادت و دارای اجر و ثواب است و شخص کارگر به تعبیر صریح روایات، مثل مجاهد فی سبیل الله است و عرق آن مثل خون شهید است چنان که فرمود:

«عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: الكادُّ على عياله كالمجاهد في سبيل الله» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۵: ص ۸۸).

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: مردی که در تأمین معاش خانواده اش سعی و تلاش می کند مثل مجاهد در راه خدا است.

در روایت قبلی نفس کارگر را ستایش و تشبیه به مجاهد کرده است؛ اما از آن جایی که در اسلام هیچ عملی بدون قید و شرط نیست کار و تلاش هم از این قاعده مستثنا نبوده و شرط قداستش زمانی است که عمل مشروع و حلال باشد و الا هر کاری به خودی خود و بدون جهت شرعی ارزش ندارد.

۵-۳-۲-۱- اهل بیت (ع) و کسب و کار

اسلام سعی و تلاش در مسیر پیشرفت اقتصادی، و فراهم کردن رفاه خانواده، را یک عمل مقدس و عبادی می داند چنان که در روایتی امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید:

أبي جعفر (ع) قال الكمالُ كلُّ الكمالِ التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَ تَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۱۸۰).  
کمال کامل آن است که هر مسلمانی هم در امر دینش تفقه کند؛ یعنی مسائل دینی اش را یاد بگیرد و غافلانه عمل نکند و در مقابل مشکلات و مصیبت های روزگار صابر باشد و در زندگی اش مدیریت درست در کار و تلاش اقتصادی داشته باشد.

سعی و تلاش یکی از ضروریات در زندگی است و هیچ استثنای بردار هم نیست و حتی اولیای الهی مانند انبیاء عظام و ائمه معصومین (ع) برای چرخش زندگی شان نهایت تلاش شان را به کار می بستند و کار و تلاش را هیچ وقت مغایر با

رسالت‌شان نمی‌دانستند و امروز هم اگر هر فردی فعالیت اقتصادی نداشته باشد هم در جامعه منفور و هم شکست خورده است؛ چون پشتوانه مالی ندارد.

در واقع یکی از راه‌هایی که عزت نفس انسان حفظ می‌شود کار کردن است. بنابراین انسان مؤمن نباید خودش سبب خواری و ذلتش بشود و به سبب سعی و تلاش حلال باید عزت و احترام خود و خانواده‌اش را حفظ کند. قابل توجه اینکه انسان بیکار و تنبل هم در جامعه بی‌آبرو و بی‌عزت است و هم در نزد خدای متعال و اولیای الهی که اشاره شد که پیامبر (ص) فرمود: دعای انسان بی‌کار قبول نیست. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۱۹۰). باید توجه داشت که موضوع اهمیت کار مختص آقایان تنها نیست؛ بلکه شامل زن و مرد است و هر کس باید به وظیفه‌ی خودش عمل کند و بار مسئولیتش را به سر منزل مقصود برساند.

#### ۵-۳-۲-اهل بیت و توزیع ثروت

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: خدای تعالی روزی‌ها را مقدر ساخت بعضی‌ها را فراوان و بعضی‌ها را اندک. در کار برخی گشایش داد و بر برخی تنگ گرفت و تقسیم از روی عدالت بود تا هر که را که بخواهد در سختی و آسانی بیازماید و توانگر و مستمند را در شکر گزاری و شکیبائی امتحان کند. و قدر الارزاق فکثرها و قللها و قسمها علی الضیق و السعة فعدل لیتلی من اءراد بمیسورها و معسورها و لیختبر بذالك الشکر و الصبر من غنیها و فقیرها(نهج البلاغه، ۱۳۹۰: خطبه ۹۰).

مفهوم کلام امیرالمومنین علیه السلام آن است که:

۱- توانگران و ثروتمندان مسئول تاءمین نیازهای فقیرانند زیرا که خداوند در اموالشان حقوقی را برای فقیران مقرر داشته است که باید ادا کنند.

۲- وقتی که توانگران مانع رسیدن این حق به مستحقان می‌شوند فقر به وجود می‌آیند از این گفتار فهمیده می‌شود که توزیع ناسالم و تجمع و انباشته شدن ثروت نزد توانگران و ثروتمندان از علل مهم فقر است «ما جاع فقیر الا بما منع به غنی».

این پدیده در نظامهای سرمایه داری حاکم بر جهان غرب به وضوح دیده می‌شود بطوریکه برخورداری از ثروت را در زشت‌ترین صورتش مشاهده می‌کنیم و در نتیجه آن بیست درصد از ساکنان کره زمین هفتاد درصد تولید جهانی را مصرف می‌کنند در حالی که برای هشتاد درصد باقیمانده مقدار کمی - تنها - سی درصد - باقی می‌ماند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۹۹۱).

#### ۵-۳-۲-اهل بیت و مصرف درست

اصولاً نگاه قرآن به مسئله اقتصادی نگاهی در راستای بهره‌وری مناسب و درست از امکانات و وسایلی است که خداوند در اختیار بشر به طور مستقیم و یا با تولید و کار قرار داده است. خداوند در آیاتی چون «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یحبُّ المُسْرِفین» (سوره انعام، آیه ۱۴۱) از مردم می‌خواهد که از اسراف و تبذیر دوری ورزیده و هزینه‌های خویش را در چارچوب اعتدالی قرار دهند. در آیه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا یحبُّ المُسْرِفین» (سوره اعراف، آیه ۳۱) از مردم می‌خواهد که از نعمت‌های خداوند استفاده کرده و از آن بخورند و بیاشامند ولی اسراف نکنند؛ زیرا اسراف امری ناپسند در نزد خداوند است و اهل اسراف را خداوند دوست نمی‌دارد.

اگر از نظر اسلام، سلامت اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی در حوزه اقتصادی «و يَأْقَوْمُ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (هود، آیه ۸۵) و تصحیح روابط اقتصادی جامعه، هم پای مسایل اعتقادی و عبادی در صدر برنامه های پیامبران قرار دارد «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (اعراف، آیه ۸۵). این امر نمی تواند جز با صرفه جویی و بهینه سازی مصرف همراه باشد؛ زیرا اقتصاد در هر حال بستری برای تکامل بشری است و به عنوان هدف ابزاری و یا میانی مطرح می باشد که می بایست آدمی با بهترین شیوه مصرف و استفاده درست و مناسب، خود را در جایی قرار دهد که بتواند رشد و کمال خویش را ادامه دهد. از این رو همان اندازه که اسراف و اتراف و تبذیر، زشت و ناپسند است، استفاده نکردن درست از نعمت های خداوندی نیز به معنای نادیده گرفتن ابزارهای کمالی است. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۴۶۷).

از نظر قرآن، اقتصاد و ثروت مایه قوام جامعه است و امور اقتصادی و معیشتی مردم جایگاهی مهم در حد مسایل اعتقادی و عبادی دارد و بر این اساس می بایست همگان، از شخص و جامعه و دولت، در مسیر اقتصاد سازنده و مثبت حرکت کنند تا فرصت های برابر برای همگان جهت دست یابی به همه ابزارهای رشد و تکامل فراهم آید. بنابراین هرکسی که با مصرف زیاد و اتراف و تبذیر و اسراف بخشی از ابزارهای رشدی و کمالی را از میان ببرد، می بایست پاسخ گوی خدا و جامعه انسانی باشد. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۲: ص ۴۶۹).

#### ۵-۳-۳- نقش محبت به اهل بیت در حوزه رفتار سیاسی

به گواهی تاریخ، ورود علی(ع) به عرصه سیاست و پذیرش حکومت به مفهوم ریاست طلبی و سلطه جویی نبود، بلکه حکومت از این جهت نزد آن حضرت بسیار ناچیز و پست است که از عطسه یک بز زکام خورده و یا از لنگه کفشی پاره، بی ارزش تر است؛ زیرا کفشی که نیاز حضرتش را بر طرف نماید و مسئولیتی را به همراه نداشته باشد، به مراتب از ریاست و مقام که مسئولیت های بسیاری را به دنبال دارد بهتر و برتر است. در گفتارها و نوشتارهای امام علی(ع) فراوان مشاهده می شود که آن حضرت بارها و بارها بر سر حکومت و قدرت کوبیده و آن را تحقیر نموده، تا جایی که می فرماید: «این (حکومت) نزد من از استخوان خوکی که در دست یک آدم جذامی باشد، پست تر است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ص ۸۲).

امام(ع) خطاب به ابن عباس حکومت را از نعلین خود پست تر معرفی می کند، مگر این که با ابزار حکومت بتواند حقی را به پا داشته و مانع باطلی شود: «سوگند به خدا این نعلین از فرمان روابی بر شما نزد من محبوب تر است، مگر آن که حقی را به پای دارم یا باطلی را دفع کنم (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ص ۷۶). و در سخن بلند دیگری فرمود: «به خدایی که دانه را شکافت، و انسان را به وجود آورد، اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر نبود عهدهی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکم بارگی هیچ ستمگر و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، افسار شتر حکومت را بر کوهانش می انداختم، و پایان خلافت را با پیمان خالی اولش سیراب می کردم، آن وقت می دیدید که ارزش دنیای شما نزد من از اخلاط دماغ بزرگتر است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ص ۵۰).

این تصویری است که علی(ع) از حکومت ترسیم می کند، آن هم زمانی که خود زمامدار جهان اسلام است. البته، تنها ارزشی که علی(ع) برای حکومت قائل است، زمانی است که حکومت وسیله ای برای اجرای عدالت، احیای ارزش های الهی و پاسداری از کرامت انسانی باشد.

از نظر امام علی(ع)؛ حکومت، آن زمان دارای ارزش است که شخص حاکم و زمامدار به کمک این ابزار سیاسی بتواند، احقاق حقی کرده و یا از باطلی جلوگیری نماید و کرامت انسانی را که در طول قرون و اعصار به وسیله قدرت‌مندان و ظالمان از بین رفته، به جوامع انسانی بازگرداند.

ایشان می‌فرمایند:

به خدا اگر جهان را با هر آنچه در آن است به من بدهند که با گرفتن پاره‌ای جو، از دهان موری، خدا را معصیت کنم، بدین خطا تن در نخواهم داد(نهج البلاغه، ۱۴۱۴:ص ۳۴۷).

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به آیات و روایات محبت اهل بیت علیهم السلام در سبک زندگی فردی در زمینه‌های فکری و معرفتی، اعتقادی، عبادی و اخلاقی و سبک زندگی اجتماعی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تاثیرگذار است. محبت به اهل بیت علیهم السلام زمینه الگو سازی و الگو دهی سبک زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی ما را در عرصه‌های مختلف فراهم می‌نماید، احترام فرزندان به والدین و والدین به فرزندان و محبت متقابل بین آنان با محبت اهل بیت تقویت می‌شود. همچنین نقش ویژه‌ای در تربیت فرزند و فرزندپروری، همسر داری، مدیریت صحیح خانواده و غیره ایفا می‌کند و می‌توان بسیاری از آسیب‌ها را با محبت آنان و تاسی به روش و منش آنان در سبک زندگی درمان نمود و به چالش‌ها و مشاجرات زندگی در خانواده خاتمه داد.

#### منابع

۱. قرآن کریم «ترجمه آیت الله مکارم».
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، (۱۳۳۷)، شرح نهج البلاغه، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی، قم.
۳. ابن عساکر، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، بی تا، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، دار الفکر للطباعة والنشر
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق)، لسان العرب، موسسه الاعلمی مطبوعات، بیروت.
۵. احسائی، محمد بن علی ابن ابی جمهور، (۱۴۰۵)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیه، انتشارات سید الشهداء، قم.
۶. حاجتی، محمد باقر، (۱۳۷۸)، آداب تعلیم و تربیت، چاپ بیست و دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، آل البیت، قم.
۸. دشتی، محمد، (۱۳۹۰) نهج البلاغه، (سخنان امیرالمومنین(ع))، ترجمه دشتی، نشر قم.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴)، مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، انتشارات مرتضوی، تهران.
۱۱. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۸ق)، همیشه بهار، نشر معارف، تهران.
۱۲. صدوق محمد بن علی ابن بابویه، (۱۳۸۰)، عیون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستفید، علی اکبر غفاری، نشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۱۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، چاپ چهارم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، نشر شریف رضی، قم.
۱۵. طریحی، فخرالدین بن محمد بن علی، (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، چاپ سوم، المکتبه المرتضویه، تهران.
۱۶. عاملی، حرّ (محمد بن حسن)، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، چاپ اول، مؤسسه آل البيت (ع)، قم.
۱۷. علی اکبری، راضیه، (۱۳۹۹)، راهکارهای ایجاد محبت اهل بیت (ع) در فرزندان، ره توشه خانواده شماره ۱، ۱۳۹۹، صص ۳۹-۵۱
۱۸. غزالی، ابوحامد، (۱۳۶۸)، الاحیاء فی علوم الدین، ترجمه مؤید الدین خوارزمی، چاپ دوم، علمی فرهنگی، تهران.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم، دارالهجره.
۲۰. قمی مشهدی، محمد، (بی تا)، تفسیر کنز الدقائق و بحر القرائب، ج ۱۰، مؤسسه نشر اسلامی، بیروت.
۲۱. کاویانی، محمد، (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ناشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۷)، اصول کافی، ۵جلد، ترجمه مهدی آیت اللهی، نشر جهان آرا، تهران.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعة الدرر أخبار الائمة الأطهار، چاپ دوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۶)، اهل بیت در قرآن و حدیث، دارالحدیث، قم.
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۶)، العلم والحکمة فی الكتاب والسنة، دارالحدیث، قم.
۲۶. ناظم زاده قمی، سید اصغر، (۱۳۸۹)، جلوه های حکمت، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۲۷. النراقی، محمد مهدی، (بی تا). جامع السعادات، تحقیق و تعلیق، سید محمد کلانتر، دارالنعمان للطباعة و النشر، نجف اشرف.
۲۸. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، آل البيت لاحیا التراث العربی، بیروت.
۲۹. هیشمی مکی، احمد بن حجر، (۱۴۲۵)، الصواعق المحرقة، چاپ اول، مؤسسه الرساله بیروت.